



شاعر: ثریا قاسمی

زیر پای عابر سربه هوا
در آغوش نارنجی های مهر
له می کند
خاطراتمان را

مهر سربزیرم را
چگونه گره
بزنم
به قلبی که



شاعر: صدیقه صنیعی

شاعرم، ایستاده زیر درخت
تا که سبیلی به دامنم افتد
هم چو بادبهار بگذری و
خنکای تو بر تنم افتد
من سلامی سپرده ام به نسیم
برساند به روی چون ماهت
وبخواهد که باز هم گذرت
بر سر کوی و برزنم افتد
دل کوچه گرفت تارفتی
منتظر مانده ام که برگردی
دوست دارم که برق چشمانت
باز در چشم روشنم افتد
شعر می باردا ز نجابت ما
عشق مان با سکوت همراه است
دوست دارم که مهر اسمت در
سرنوشت معین ام افتد
مهر و آبان من به قربانت
همه ابیات من به فرمانت
کاشکی شال گرم دستانت
این زمستان به گردنم افتد.



منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به
دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل
ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد
است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: اشرف السادات کامانی



شاعر: مریم گمار

بی تو نه ریشه ام به آب می رسد
نه دست هایم به جوانه
وقتی به موهای زمین می وزی
حس می کنم
مرا صدا می زنی



شاعر: معصومه جابری

در سایه ی ایزد به غزل دل خوش کن
از فرش به عرش آ و لب از نی خوش کن
در کشف حقایق به دلت پیجو باش
این باده بنوش و وصف این می خوش کن

کاش زندگی
آرامش شب بود
تا مهتاب
یک دل سیر
ستاره می چید



شاعر: سعید اکبرنیا

بغض عجیبی است
زخم عجیبی است
نطفه ی درد را در بطن جانم کاشته ای
زیبا! سخن بگو
هوای دلم بارانی ست
شادی راه ندارد به چشم هایم
جنگ راه انداخته ای علیه خودت
ما غمگنانه ها یک طرف
خنجر ابروانت یک طرف
به کجا کشانده ای ما را



رد پای تنهایی
بر دل
حک شده
از این شهر
کسی گذر نمی کند

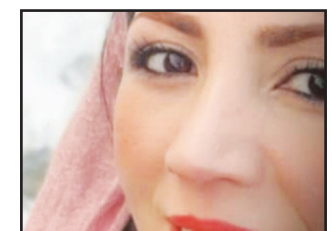


شاعر: مریم جلالوند

من اگر از حس خود چیزی نمی گفتم به او
بی گمان حرف دلش را می شنیدم مو به مو
اشتباه از سادگی این دل دیوانه بود
بس که رو می زد به من ناگفتنی ها را بگو
گفتم و از دست دادم آنچه را می خواستم
بسته شد هم راه پس، هم راه های پیش رو
من به شوق وصل او با اختیار خود زدم
قید خیلی چیزها از جمله قید آبرو
فرستی اندک ندارد تا بپرسد حال من
بسته درهای امیدم را برای گفتگو
می روم دیگر، سراغم را اگر روزی گرفت
ای در بسته بگو از قول من این را به او
چینی بشکسته ی دل، بند را پس می زند
تا بفهمد آب رفته بر نمی گردد به جو



شاعر: عاطفه پازوکی آتیا



شاعر: زهرا اوددی (داناک)

باید شبی از بام خیال تو بیفتم
در چاله ی لبخند وصال تو بیفتم
خواهم شوم آن رود که از مهر تو جوشد
یا خاک و در پای نهال تو بیفتم



شاعر: زینب چراغی

ای ابر بهار پر زباران از تو
زیبایی روی گلعداران از تو

از سرو قد و خرمن گیسوی طلا
شد بهمن و اسفند، بهاران از تو